«امیرفرهاد حنیف‌زادگان»، سرپرست تیم وکلای حبیب رضایی در گفت‌وگو با «شرق»:

محرمانه‌بودن پرونده به ضرر موکل من تمام شد

پرونده مهدی کوشکی روی پرونده حبیب رضایی سایه انداخت

شرق: بعد از انتشـار گزارش «شرق» درباره رأی دادگاه شـکایت حبیب رضایی و مهدی کوشکی از ترانه علیدوستی، شبنم فرشادجو و بابـک کریمـی، آقای حبیـب رضایی در تماسـی با «شـرق» اعلام کردند که روزنامه در تهیه این گزارش جانب انصاف را رعایت نکرده و بایـد حرف‌های طـرف مقابل هم شـنیده می‌شـد. این در حالی است که در گزارش منتشرشده بخشی از بیانیه ویدئویی سرپرسـت تیم وکلای حبیب رضایی پیاده و درگزارش منتشر شده بود. با این حال و برای اینکه حرف‌های طـرف مقابل این گفت‌وگو هم شـنیده شـود «شـرق» با «امیرفرهاد حنیف‌زادگان»، سرپرست تیم وکلای حبیب رضایی درباره ابعاد این پرونده گفت‌وگویی ترتیب داده است.

فضای عمومی و رسـانه‌ای انجام دهیم چون همه چیز آن محرمانه اسـت. متأسفانه الان وضعیت چنین اسـت که موکل بنده باید بی‌گناهـی‌اش را در این ماجرا اثبات کند. چیزی که به هیچ وجه در عالم حقوق نداریم چون اگر کسـی متهم به جرمی شود باید مجرم‌بودنش با ادله توسـط مدعی اثبات شود. یکی از پاسخ‌های مناسب به رسانه‌ها و افکار عمومی درباره این ادعاها می‌تواند این باشد که چرا تا به امروز هیچ شکایت رسمی از موکل بنده در این زمینه ثبت نشده است. چرا الان کسی شکایتی نمی‌کند؟ اگر شکایتی مطرح شود آن وقت ما با فردی مواجه می‌شویم که ادعایی دارد و در یک فضای برابر با او می‌توانیم به این ادعا پاسـخ دهیم. ولی در چنین شرایطی چنین امکانی وجود ندارد. در حـال حاضر تنها رأی موجود درخصوص ایـن موضوع همین قرار منع تعقیب برای کسانی است که از آنها شکایت کرده‌ایم. چنین رأیی به هیچ وجه به معنی اثبات ادعاهای مطرح‌شده درباره موکل من نیست.

ما این رویه را متأسـفانه در دسـتگاه قضائی در موارد مختلف داشته‌ایم که یک نفر شـخص دیگری را متهم می‌کند ولی در نهایت هیچ‌کس محکوم نمی‌شـود نه فردی که اتهام را مطرح کرده و نه فردی که متهم شـده اسـت و این موضوع به ابهام بیشتر موضوع دامن می‌زند.

◆ در ویدئویی هم که شـما منتشـر کردید درباره برداشت‌هایی که از این حکم می‌شود سخن گفتید. می‌توانید این موضوع را تشریح کنید؟

ادعای دیگری که در فضای مجازی مطرح شـده این اسـت که چون چنین رأیی در این پرونده صادر شده پس حرف‌ها و ادعاها درباره موکل بنده درست بوده است؛ یعنی برخی حکم منع تعقیب صادره در این پرونده را به معنی مجرم‌بودن موکل بنده در نظر گرفته‌اند. معنای قرار صادره این اسـت که از نظر بازپرس دلایل برای ارتکاب جرم نشـر اکاذیب کافی نبوده نه اینکه ادعاهای ایشـان اثبات شده باشد. برای اثبات ادعاهایی که علیه موکل من مطرح شـده باید شـکایت مستقلی علیه ایشان مطرح و منجر به حکم محکومیت شده باشد، این در حالی است که اساسا هیچ شکایتی از ایشان تاکنون ثبت نشده و هیچ حکمی علیه او صادر نشده است. حتی وقتی فردی از فرد دیگری شکایت می‌کند قوه قضائیه طبق قانون مشخصات او را در رسانه‌ها اعلام نمی‌کند و اسم او را با حروف اختصاری می‌نویسد. چرا چنین کاری می‌کند؟ برای اینکه که اگر فرد محکوم نشـد، آبروی او حفظ شود، بعد در مورد موکل من بدون اینکه شکایتی مطرح یا حکمی صادر شده باشد چنین فضایی در رسانه‌ها ایجاد شده است.

خوب است این همه انرژی و وقتی که گذاشته شده صرف آزارگران واقعی شود که اکنون در پناه فضای رسانه‌ای ایجادشده در این پرونده آزادانه مشغول فعالیت‌های خودشان هستند.

ضمن اینکه برخی از دوسـتان ما تا پیش از این همیشه مدعی بودند که نمی‌توان به قوه قضائیه اعتماد کرد یا منتظر نتیجه عادلانه‌ای از آن بود و حالا که با این رأی، اعتماد دوسـتان جلب شده و تشکر دوستان را شـاهدیم، این موضوع را به فال نیک می‌گیریم و امیدواریم باعث روند ثبت شکایت در موارد واقعی در قوه قضائیه به جای اتهام‌زنی‌های بدون دلیل در فضایی غیرقابل اثبات شود.

از نظر ما به این حکم انتقاداتی وارد اسـت که می‌شود حرف‌های‌مان را در آینده در این زمینه در فضایی علمی و حقوقی بیان کنیم؛ اما معنی این حکم این است که «نشر اکاذیب مجرمانه» به نظر بازپرس محقق نشده است. لازم است توجه داشته باشیم آنجایی که قاضی نیاز دارد به یقین برسد تا حکم صادر کند «حکم محکومیت» اسـت. طبق قانون برای قرار منع تعقیب لازم نیسـت قاضی به «یقین» برسد. بلکه همین که شـبهه‌ای برایش وجود داشته باشد و اتفاقا نتواند برای صدور قرار جلب به دادرسی یا حکم محکومیت به یقین برسد برای قرار منع تعقیب کفایت می‌کند.

همچنین این نکته که گفته شده اسناد و مدارک و پرینت پیام‌هایی وجود دارد هم موضوع دیگری است. ما هم اسـتقبال می‌کنیم در یک فضای منصفانه و عادلانه این اتهامات از مرجع قانونی‌اش پیگیری شـود. بشخصه امیدوارم هیچ حاشیه امنی برای هیچ آزارگری وجود نداشته باشد.

◆ یک سـؤال درباره بخشی که درباره «شاهد» و «مدعی»بودن شـهود دعوت‌شده حرف زدید. به هر حال کسانی که به دادگاه فراخوانده شدند به عنوان «شاهد» آمدند و شهادتشان در صدور حکم تأثیرگذار بود دیگر؟

بله به عنوان شاهد آمدند اما شاهد به چه چیزی؟ شاهد به اینکه موکل من مرتکب یک عمل مجرمانه شده؟ همان‌طورکه عرض کردم افرادی که در ارتباط با موکل بنده صحبت کرده‌اند صرفا به شنیده‌ها استناد کرده‌اند.

◆ ماجرای ارتباط پرونده و رخدادهای سـال گذشته چه بود. صحبت‌های شـما در ویدئوی اینستاگرامی با ادعاهای وکیل خانم علیدوسـتی کمی در تناقض بود. آنها مدعی بودند هیچ لایحه‌ای برای پایان تحقیقات یا شکایت در سامانه ثبت نشده و فرایند دادرسی در دادگاه هم در آن مرحله چنین بوده که اساسا فرصت دفاعی به شما داده نمی‌شده که بخواهید از آن صرف‌نظر کنید. دادگاه رأسا درخواست شما را رسیدگی کرده است.

درباره انصراف و موارد مربوط به آن لازم است چند نکته را کمی مفصل مطرح کنم و ان‌شاءالله یک بار برای همیشه ماوقع را شرح بدهم که نکته مبهمی باقی نماند. اصل قضیه را در آن ویدئوی کوتاه گفتم اما حالا از طرف موکلم مجازم شرایطی را که ایشان در آن مقطع با آن درگیر بودند، به شکل کلی بازگو کنم چون به هرحال امروز که داریم با هم حرف می‌زنیم باید به فضای جامعه در آذر و دی سال گذشته توجه کنیم.

در دادسـرا زمانی که ما درخواسـت مطالعه پرونده را داشـتیم که بتوانیم دفاع لازم را انجام دهیم، با مخالفت بازپرس مواجه شـدیم به استناد محرمانه‌بودن محتویات پرونده. دادگاه پس از اعتراض ما با نظر بازپرس محترم مخالفت کرد تا پرونده در اختیار ما قرار گیرد. دسترسـی ما به پرونده مصادف شـد با صدور قرار توسط بازپرس. با توجه به فرصت محدود اعتراض به قرار، اعتراض ثبت شد و تصمیم گرفتیم دفاعیات خود را در فرصت مناسب تهیه و به دادگاه ارائه کنیم و این موضوع را شفاها نیز اعلام کردیم و سعی ما این بود که قبل از موعدی که به عنوان وقت نظارت تعیین شده بود دفاعیات را تقدیم کنیم. اواخر آذر ماه بعد از دستگیری خانم علیدوستی موکل ما تصمیم به انصراف از پیگیری روند شکایت گرفت.

دلیل اصلی انصراف و درخواست عدم پیگیری پرونده از جانب ایشان، اعتقاد وی در این خصوص است که بازیگران به دلیل نزدیک‌بودن به اقشار مختلف مردم باید امکان فعالیت اجتماعی داشته باشند، لذا پیرو این اعتقاد در هیئتی حاضر بود که جهت کمک به هنرمندان تشکیل شده بود و هرکس به فراخور امکانات و توانایی‌ها، بخشی از امور را به عهده گرفته بود. ایشان در جلسات متعددی از جمله جلسه با دادستان کل کشـور و دادستان کرج پیگیر موضوع بود. دلیل دیگری که قبلا هم ذکر شد اینکه اصولا شرکت در دادگاهی که یک طرفش به واسـطه فعالیت‌هایش در زندان است با اصول اخلاقی و حرفه‌ای موکل بنده همخوانی نداشت. ما با این تصمیم در آخر آذر و اوایل دی روبه‌رو بودیم.

نکته خیلی مهم، اصرار درسـت ایشـان بود در این زمینه که حتما باید قبل از ثبت لایحه اعلام گذشت، بیانیه یا متنی از جانب و به قلم ایشان نوشته و منتشر شود که دلایل این انصراف کامل و دقیق توضیح داده شود، چون طبق تجربه ما در این پرونده، اولا خبررسانی یا عدم خبررسانی تا همان لحظه هم ابدا در اختیار و به تصمیم ما نبود بنابراین می‌شد مطمئن بود که به محض ثبت این انصراف خبر آن منتشر خواهد شد و باز طبق تجربه، تقریبا مطمئن بودیم اگر توضیح کافی و به موقع ارائه نشود بدترین حدس‌ها و سوءتفاهم‌ها به عنوان نیت نداشته موکل بنده فرض می‌شد و افراد بر اساس آن به نتیجه غیرواقعی می‌رسیدند، بنابراین موکل من اصرار داشـت انتشـار متنِ دلیل انصراف و ثبت آن در سامانه باید هم‌زمان باشد. در آن مقطع در شـرایطی بودیم که هر روز هم نه، هر سـاعت اتفاق جدیدی برای هنرمندان و مخصوصا بازیگران فعال و دغدغه‌مند در عرصه اجتماعی رخ می‌داد. موکل من هم از این امر مسـتثنا نبود و آن‌طورکه به بنده اطلاع داد بارها برای پاسخ به سؤالات و گرفتن تذکر به مراکز و نهادهای مختلف فراخوانده می‌شد و در دهه اول دی هم، سـه بار به سـه مرکز و نهاد مختلف دعوت شد. در جلسه سـوم که گویا مدت زیادی هم به طول انجامیده بود با این نتیجه تمام شد که از موکل بنده دعوت شده بود (این کلمه تعبیر بنده است) برای مدتی از فعالیت در فضای مجازی و رسـانه‌ای به انحای مختلف پرهیز کنـد تا به آرامش جامعه کمک کند. این یعنی عدم امکان انتشار بی‌دغدغه آن بیانیه مهم برای تصمیم انصراف ایشان. تاریخ حدودا ۹ یا ۱۰ دی است و ما باید تصمیم می‌گرفتیم که چطور می‌شود بدون ایجاد حساسیت و بروز مشکل که گویا برای ایشان جدی هم می‌توانست باشد، به راهکاری برسیم. در همین احوال در تاریخ ۱۱ دی قاضی دادگاه به علت عدم ارائه ادله‌ای که موجبات نقض قرار را فراهم کند قرار بازپرس را تأیید کرد. باز هم یادآوری می‌کنم زمان و شرایط این وقایع را حتما برای پاسخ به این پرسش باید در نظر گرفت. شرایط جامعه و مخصوصا هنرمندان خاص و تجربه نشـده و آبستن انواع و اقسـام بحران‌ها بود که هر قدم و کلامی را تبدیل کرده بود به گام‌نهادن در میدان مین. هنوز هم موکل بنده کاملا از بعضی محدودیت‌ها رها نشـده که به هرحال رسیدگی به آن امور در آن زمان طبیعتا اولویت ما و ایشـان بود و این شـکایت هم با روند پر فراز و نشیبش به‌هرحال به تصمیم شخصی و قاطع ایشان وابسته بود.

◆ آن بخش از قرار که به مسئله آزار و تعرض از طریق اعمال قدرت در سینما و تئاتر در قرار آمده بود؟

ببینید بازپرس اصلا به این موضوع رسیدگی نمی‌کرده.

◆ به هرحال در قرار آمده یا نیامده؟

بله در قرار آمده اسـت. آن بخشـی هم که من در ویدئو خواندم هم در قرار آمده اسـت. یکی از دلایل اعتراض ما به قرار هم وجود همین عبارات بود. وقتی من آن بخش را خواندم خیلی‌ها گفتند که ما زن‌ستیز هستیم که چنین عباراتی را می‌خوانیم، در حالی که من آن بخش را خواندم تا نشان دهم متن این قرار چقدر فضای سـینما را آلوده نشان می‌دهد. ولی به هر حال بازپرس محترم نظرش را گفته و ما هم نقد خودمان را داریم.

حقوق حیوانات

روزهای سخت حیوانات خانگی

سـپهر سـلیمی: از بین گروه‌های مختلف حیوانات شاید تصور می‌شود حیواناتی که به عنوان همدم و همراه انسان در خانه‌ها هستند و اصطلاحا به آنها حیوان خانگی می‌گوییم در وضعیت بهتری قرار دارند. در شرایطی که حیات وحش به دلیل ضعف سـازمان حفاظت محیط زیست و کمبود نیروی انسانی و منابع مالی در کنار تخریب زیسـتگاه‌ها در معرض تهدید بسیار است بیراه نیسـت اگر حیواناتی را که در خانه‌ها هستند، خوشبخت بدانیم. به‌ویژه آنکه این روزها در فضای مجازی شـاهد تصاویر بی‌شـمار هم‌وطنانمان با حیوانات خانگی خود هسـتیم و در کنـار آن مراکز دامپزشـکی و فروش وسـایل حیوانات خانگی در سطح شـهرها و فضای مجازی افزایش چشمگیری داشته اسـت. اما برخلاف تصور عموم، بر اسـاس شواهد و تجربیات گذشـته بنده معتقدم وضعیت حیوانات خانگی نه تنها خوب نیست که بسیار دردناک و بحرانی است. در این یادداشت سعی می‌کنم به‌طور خلاصه اشـاره‌ای به برخی از مهم‌ترین دلایلی که حیوانات خانگی را در شرایط بحرانی قرار داده اشاره کنم.

شـوربختانه بسیاری از سرپرسـتان حیوانات خانگی دانش کافی در مورد شـرایط نگهداری از حیوان ندارند. این مسـئله می‌تواند مشـکلات بسـیار برای سـلامت، بهداشـت و روان حیوانـات ایجاد کند. در چنین شـرایطی حداقل‌های لازم برای نگهداری از حیوان مورد توجه قرار نمی‌گیرد و این مسئله باعث بیمـاری و مرگ حیوان خواهد شـد. همان‌طورکه نگهداری از یک نوزاد مسـتلزم داشـتن اطلاعات کافی درخصوص تغذیه، بیماری‌ها، مکان مناسـب استراحت، روش صحیح جابه‌جایی، نحوه درست برخورد و... اسـت، برای حیوان خانگی نیز چنین است. در بسیاری از موارد شرایط نگهداری از گونه‌های مختلف یـک حیـوان تفاوت‌های آشـکاری با هم دارد کـه در صورت بی‌توجهی می‌تواند عواقب بدی در پی داشته باشد.

از آنجـا که بخش قابل توجهی از غـذای حیوانات خانگی وارداتی است، شـرایط اقتصادی و تحریم‌ها باعث شده غذای باکیفیت وارد کشور نشود. غذاهای تولید داخل کیفیت مناسبی ندارنـد و گرانی غـذای خارجی باعث شـده فضای مناسـب برای تولید غذای تقلبی خارجی ایجاد شـود. غذای بی‌کیفیت از عوامـل مهم در بـروز بیماری‌های مزمـن و خطرناک برای حیوانات خانگی اسـت. شـرایط اقتصـادی در افزایش هزینه خدمات و داروهای دامپزشـکی حیوانات نیز مؤثر بوده است و درمان برخی از بیماری‌های این حیوانات گاه نیازمند بودجه‌های چنـد ده میلیونی اسـت. گرانی خدمات در کنـار کاهش توان اقتصادی باعث شده درمان مؤثر برای بخشی از حیوانات انجام نشود و حتی شاهد رهاکردن آنها در خیابان و طبیعت باشیم.

سیسـتم آموزش دامپزشـکی در ایران بر حیوانات پرورشی برای تولید گوشـت و لبنیات متمرکز اسـت. این مسئله در کنار کم‌بودن موارد درمانی در دانشـکده‌های دامپزشکی و ضعف دانـش و تجربه اسـتادان، منجر به کمبود نیـروی متخصص برای درمان حیوانات خانگی می‌شـود. ضمن اینکه به‌واسطه افزایش بسیار زیاد پذیرش دانشجویان دامپزشکی شاهد وجود دانشکده‌هایی با اسـتادان ضعیف و حداقل امکانات آموزشی هستیم که در نهایت به خروج فارغ‌التحصیلانی کم‌دانش منجر خواهد شد.

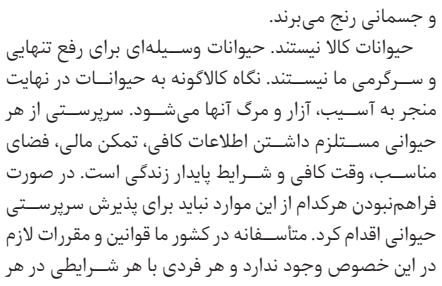

شوربختانه با وجود همه این مشکلات، شاهد افزایش تولید، فروش و نگهداری از حیوانات خانگی هسـتیم. سود بسیار زیاد تجارت حیوانات خانگی باعث شـده تاجران این حیوانات از هر ابزار تبلیغاتی برای فروش بیشـتر استفاده کنند. در شبکه‌های اجتماعی هزاران صفحه برای فروش انواع حیوانات وجود دارد که تلاش می‌کنند با بیان اطلاعات غلط، نگهداری از حیوانات را سـاده و ارزان جلوه دهند. نکته عجیب آنکه با وجود تبلیغات صورت‌گرفته علیه نگهداری از سـگ یا گرداندن آن در سـطح شـهر، ولی فروش ایـن حیوان به راحتـی در فضای حقیقی و مجازی انجام می‌شود و حتی شاهد واردات انواع نژادهای سگ از خارج از کشور هستیم. دنیا به کام پرورش‌دهندگان و تاجران حیوانات خانگی اسـت و با وجود درخواسـت حامیان حقوق حیوانـات هیچ اقدام مؤثری برای ممنوعیت خرید و فروش این حیوانات انجام نشـده اسـت. تولید و پرورش حیوانات خانگی علاوه بـر رنج حیوانات مولد باعث تولیـد صدها هزار حیوانی می‌شود که به دلیل شرایط بد پرورش از مشکلات بسیار ژنتیکی و جسمانی رنج می‌برند.

حیوانات کالا نیستند. حیوانات وسـیله‌ای برای رفع تنهایی و سـرگرمی ما نیسـتند. نگاه کالاگونه به حیوانـات در نهایت منجر به آسـیب، آزار و مرگ آنها می‌شـود. سرپرسـتی از هر حیوانی مسـتلزم داشـتن اطلاعات کافی، تمکن مالی، فضای مناسـب، وقت کافی و شـرایط پایدار زندگی است. در صورت فراهم‌نبودن هرکدام از این موارد نباید برای پذیرش سرپرسـتی حیوانی اقدام کرد. متأسـفانه در کشور ما قوانین و مقررات لازم در این خصوص وجود ندارد و هر فردی با هر شـرایطی در هر جایی می‌تواند سرپرست هر حیوانی باشد. این مسئله علاوه بر حیوانات، می‌تواند سـبب بروز مشکلات جدی برای شهروندان و حیات وحش شود.

و در پایـان لازم اسـت شـعار حامیان حقـوق حیوانات را بار دیگـر تکرار کنم: برای داشـتن حیوان خانگـی، نخرید، به سرپرسـتی بگیرید. هزاران حیوان بی‌سرپرست منتظر خانه‌ای امن هستند. با این کار علاوه بر نجات جان یک حیوان، از تجارت کثیف تولید حیوانات خانگی نیز حمایت نکرده‌اید.